

تأثیر اندیشه‌های دینی و باورهای عامه بر پزشکی ایران باستان و استمرار آن در پزشکی اسلامی

دکتر حسن کریمیان^۱ - زهرا افشار^۲

چکیده

اندیشه‌ها، باورها و اعتقادات دینی به گونه‌ای شگرف در زندگی انسان نقش آفرینی نموده‌اند. تحقیقات مرتبط با تاریخ علم تأثیر مستمر این افکار در علم پزشکی را محرز داشته است. در ایران باستان با اعتقاد بر اینکه سلامتی موهبتی است الهی، و درد و بیماری زاییده اهریمنان است، تلاش در جهت تندرستی یکی از وظایف دینی انسان به شمار می‌رفت. این باورها و اندیشه‌ها در پزشکی اسلامی نیز، با استناد بر اینکه انسان شریفترین مخلوقات و بدن او گرانبهاترین بدن‌هاست، به وضوح استمرار می‌یابد. در این مقاله به اندیشه‌ها و اعتقادات دینی در پزشکی ایران باستان و استمرار برخی از این مضامین و باورها در پزشکی اسلامی اشاره شده است.

کلید واژگان: پزشکی، باورهای عامه، اعتقادات، ایران باستان، پزشکی اسلامی

۱- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۲- کارشناس ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه تهران

مقدمه

کشف منشاء اولیه دانش پزشکی در جهان موضوعی است که نویسندگان و دانشمندان تاریخ پزشکی را به فکر و تحقیق وا داشته است. برخی عقیده دارند که این علم با خلقت بشر همراه بوده و گروهی دیگر آنرا هدیه ای الهی از جانب خداوند و پیامبران می دانند. به هر حال تردیدی نیست که روشهای علم پزشکی امروز، ریشه در تجربیات و اعتقادات و اندیشه های دیرینه بشری دارند. از آنجاییکه پزشکی با تن و روح انسان مرتبط و تامین سلامتی در رأس هر گونه فعالیت بشری قرار دارد، این علم در طی قرون متمادی ارجمند گردیده و به وضوح در کتابهای دینی از آن سخن رانده شده است.

پزشکی کهن ترکیبی از امور مذهبی و افسونگری و اقدامات عملی بود. پزشکان قدیم معتقد بودند که هر فرد بر اثر ارتکاب گناه و برانگیختن خشم خدایان و یا حلول ارواح خبیثه در بدن و روحش بیمار میشود. بنابراین برای درمان او، قبل از هر کاری، در صدد دور کردن ارواح خبیثه و شریر از مجاورت بیمار و توجه دادن او به عالم مینوی و بالنتیجه فرو نشاندن خشم خدایان بر می آمدند.

نیاکان ما در ایران اعتقاد داشتند که جهان و هر چه در اوست مقدس و خوشی و خرمی و سلامتی از برای بشر موهبتی ایزدی است. رنج و درد و بیماری زائیده «انگزه مینو» است و برای خشنودی «اهورا مزدا» باید با آنها مبارزه نمود و آنها را بر انداخت. در واقع، مراقبت از بدن و روح از جمله فرایض دینی انسان پاک به شمار می رفت و این موضوع در کلیه کتب دینی از جمله اوستا و قرآن و نیز احادیث اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است.

در مقاله حاضر تلاش می شود تا تاثیر اعتقادات دینی و اندیشه ها خرافی بر پزشکی ایران باستان و استمرار مضامین و مبانی اعتقادی و اندیشه ها خرافی در پزشکی ایران در دوران اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در نیل به این هدف، ابتدا اشاره ای به اعتقادات دینی مندرج در کتاب مقدس ایرانیان باستان (اوستا) و نقش خرافات در پزشکی این دوران خواهیم داشت و آنگاه نقش دستورات مذهبی و تصورات خرافی بر پزشکی ایران در دوران اسلامی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تأثیر اندیشه های دینی و باورهای مذهبی بر پزشکی ایران باستان

پزشکی، موهبتی الهی

قدیمی ترین و مهمترین منبعی که از علم پزشکی در ایران سخن میگوید، اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است. غیر از آن می توان به منابع تاریخی توسل جست و بسیاری از موضوعات پزشکی ایران باستان را روشن نمود.

نخستین پزشک آریائی در هند و ایران «طریته»^۱ نام دارد او همچنین جزء چهار مردی است که از نخستین فشار دهندگان هوم^۲ بوده و پدر گشتاسب است. احتمالاً «طریته» مربوط به زمانی است که هندیان و ایرانیان با هم میزیسته و پزشکی همسان داشته اند. او به مانند «اسکولاپیوس» یونانیان و «ایمھوتپ»

۱- درهوم یشت بهترین مرد نیکوکار از خانواده سام شناخته شده است. (Thrita)

۲- «هوم» در دنیای مینوئی ایزد است و در دنیای گیتی گیاه، دشمنان را دور می سازد، در مان بخش است و سرور گیاهان به شمار می آید. همتای هندی آن «سومه» است که هم گیاه است و هم خدا. هوم آسمانی را پسر اورمزد به شمار آورده اند و او را موبدی آسمانی دانسته اند که همانند موبدان به خدایان فدیة نثار می کند. فشردن آئینی این گیاه با پدیده های آسمانی، همچون تابش خورشید و بارش باران پیوستگی دارد (آ موزگار، ۱۳۷۴ ص ۳۰).

مصریان بوده.^۱ در اوستا به این پزشک اشاره شده است و در وندیداد، بند های ۱ و ۲ از باب ۲۰، آمده است: «زرتشت از اهورامزدا پرسید و گفت ای اهورامزدا و ای خرد نیکو کار. آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم در میان درمان دهندگان، دانایان، نیک بختان و پادشاهان پیشدادی کدام است نخستین کسی که بیماری را در خود بیماری در بند نهاد، مرگ را در خود مرگ در بند نهاد؟ ... اهورامزدا پاسخ داد و گفت: «طریته» طیب. او از کانون درمانها و از سرچشمه دواها پرسش نمود و این درمان را از خستره وریو^۲ (خدای فلزات) دریافت کرد تا در برابر مرگ مقابله کند. تا در برابر درد و تب مقابله کند. ... تا در برابر چشم زخم و در برابر فساد و ناپاکی که اهریمن بر ضد جسم انسانی آفریده مقابله کند»^۳ و امشاسپند خستره وریو (شهریور) داروها و شیوه های درمان بیماریها را به او بخشید و آموخت.^۴

همچنین از شخصی به نام «فریدون» (تثونا) به عنوان پزشک نام برده شده است و گویند: فریدون افسون و تریاک را، که از جرم افعی بدست آمده، به وجود آورد و دانش پزشکی را بنیان نهاد و گیاهان و داروهائی برای رفع بیماریهای جانداران ساخت.^۵

طریته در بعضی از منابع زرتشتی با فریدون یکی دانسته شده است. در اوستا از «آریا» سخن به میان آمده است که بر مرگ و بیماریها پیروز می شود و ازدهائی

۱- جلالی نائینی ۱۳۶۷، ۳۶

۲- خدای فلزات است که کارد جراحی زرنشان را برای درمان بیماری به طریته تسلیم کرد.

(Khshathra Vaira)

۳- دارمستتر ۱۳۸۲، ۲۶۹

۴- دوستخواه ۱۳۷۲، ۸۷۶

۵- اصفهانی ۱۳۴۶، ۳۳؛ نیر نوری ۱۳۴۵؛ خدابخشی ۱۳۷۶، ۲۴

که توسط انگره مینو آفریده شده، به وسیله «طریته»، یعنی بنیانگذار طب نابود می‌گردد.^۱

در بند های ۱۱ و ۲۹ از فروردین یشت، به فریدون طیب اشاره شده و آمده است: «می ستایم فروهرهای نیرومند و پاک و توانای پیروان راستی را. آن توانایان، دلاوران، پیروزمندان، آن کامیابان در نبرد. ... آن پاک نهادانی که یاری خواهان را پیروزی دهند و آرزومندان را کامروا کنند و بیماران را تندرستی بخشند. می ستایم فروهر «فریدون» پیرو راستی از خاندان «آبتین» را، از برای پایداری در برابر پیرویون «گری» و تب «نئزه» و تب و لرز و ...»^۲

در سرزمین آریاویش (سرزمین آریایی) در مکانی به نام «ورایماکرت» (ورجمکرد یا باغ ساخته جمشید) به پزشکی آریائی به نام «یما» یا جمشید که موفق به درمان بیماران پوستی شده اشاره شده است. همچنین در بند ۲۵ فروردین یشت از حکیمی به نام «سئنا» نام برده شده که حوزه درسی داشته و دانشجویان طب به گرد او جمع می‌آمدند.^۳ در شاهنامه فردوسی به پرنده «سئنه» (اوستا- سئنه؛ فارسی میانه- سن- مورد؛ فارسی دری- سیمرغ) برمی‌خوریم و در کتاب اوستا به فراوانی از این مرغ سخن به میان رفته است. به روایت یشت ۱۲-۱۷ این مرغ بر درختی افسانه‌ای در میانه دریای «وورکشا»، که دانه همه درختان و گیاهان درمانبخش در آنها نهاده است، آشیانه دارد و با زدن بالهای آن است که دانه‌های این درخت پراکنده می‌شود و باد آنها را با خود می‌برد و بر سراسر زمین فرو می‌بارد. به نظر می‌رسد که این اسطوره کهن‌تر از آفرینش چهارم باشد. این درخت

۱- فرشاد ۱۳۶۶، ۶۶۹

۲- مرادی غیاث آبادی ۱۳۸۲، ۱۸-۲۵

۳- سامی ۱۳۴۱، ۲۸۸

در رشن یشث ۱۷ به نام «درخت همه را درمان بخش» و «درخت سئنه» یاد شده است.^۱

در اوستا (باب ۱۲) آمده است: ای رشن اشون، اگر تو بر بالای درختی باشی که آشیانه سیمرغ در آن است، که در میان دریای فراخ «کرت» بر پاست. درختی که در بر دارنده داروهای نیک و داروهای کارگر است و پزشک همگان خوانندش. درختی که بذر همه گیاهان در آن نهاده شده است، ما ترا به یاری همی خوانیم.^۲

از دیگر اسطوره های پزشکی ایران باستان «آناهیتا» ایزد بانوی آبهاست. چنانکه در «آبان یشث» این ایزد بانو درمانگر دردها و پاک کننده نطفه مردان و زهدان زنان و شیرۀ آنان وصف شده است.^۳

در مکتب مزدیسنا که بر پایه «بهی بخشی» استوار بود، اهورامزدا آفریننده ی نیکی و انگره مینو (مینوی بد) خالق بدی و رنج و درد و بیماری است که برای خوشنودی اهورا مزدا باید با آن مبارزه کرد. زرتشت جهان آفرینش را به دو قسمت متمایز کرده است:

۱- اسپننه مینو که همه چیزهای خوب و خیرها در آن پدید آمده و مقدس است.

۲- انگره مینو که اصل همه بدیها است.

بنابر این، روشنایی، آتش، پاکی و همه خوبیها از اسپننه مینو و بدیها و بیماریها و دردها و رنجاها از انگره مینو به وجود آمده اند.^۱ در بند ۲ از باب ۲۲

۱- یارشاطر ۱۳۸۰، ۴۶۳

۲- دوستخواه ۱۳۷۲، ۴۰۰

۳- همان ۱۳۷۲، ۸-۲۹۷

وندیداد آمده است که اهورا مزدا به زرتشت مقدس چنین گفت: «... در این هنگام است که اهریمن نابکار و مرگبار به مخلوق من نگاه کرد و نظاره نمود و بر ضد من نود و نه هزار و نه صد و نود نه رقم و نه برابر نه هزار بیماری پدید آورد. تو ای کلام مقدس ایزدی بگو بدانم میتوانی این بیماریها را شفا بخشی».^۲

بدین ترتیب معلوم می گردد که انگیزه مبارزه ای اهورایی با اهریمن پیوسته در میان ایرانیان باستان برقرار^۳ و یکی از فرایض دینی و فضیلت انسان پاک به شمار می رفت. در این مسیر بود که آنها همواره در تلاش بودند تا بیماریها را - به عنوان نماد و مظهری از اهریمن- از خود دور سازند و برای خشنودی اهورامزدا، که همان بدست آوردن خوبی ها و سلامتی و پاکی است، مبارزه نمایند. لذا مقام پزشکی در این مکتب ارجمند گردید. تا آنجایی که به اهورامزدا نامهای گوناگونی از جمله «بش ترنا» (آسیب زدا)، «پشو تن» (نگهدار تن)، «بش زیتوما» (درمان دهنده درمان دهندگان) اطلاق کردند.^۴ در بند های ۴ و ۵ از باب ۲۰ وندیداد می فرماید: «... من، اهورامزدا، گیاهان درمان کننده را همراه آورده ام، گیاهانی که صدها، هزارها، ده هزارها در اطراف یگانه درخت «گوگرن»^۵ می رویند و تمام این گیاهان را استفاده خواهم نمود.»^۶

۱- مشکور ۱۳۶۲، ۹۷

۲- دارمستتر ۱۳۸۲، ۲۷۹

۳- نجم آبادی ۱۳۴۱، ۱۵۳

۴- خدابخشی ۱۳۷۶، ۱۷

۵- گوگرن (Gaokerena) همان گیاه هوم سفید است و عمر جاویدان می بخشد.

۶- دارمستتر ۱۳۸۲، ۲۷۰

باورهای مذهبی در پزشکی ایرانیان باستان

ایرانیان باستان دلیل بعضی از بیماریهای همه گیر مانند وبا و طاعون را خشم و قهرخدایان دانسته و معتقد بودند که هر گاه خدایان قهار و خونخوار تشنه ی خون بندگان خود میشوند و یا احتیاج به قربانی دارند، بیماری‌هایی را به عنوان بلای آسمانی نازل می‌سازند.^۱ آنان همچنین اهریمنان و دیوان را سبب بروز امراض می‌دانستند.^۲ از این روی بود که برای فرو نشاندن خشم خدایان و طرد اهریمنان به طلسم و اوراد و ادعیه روی می‌آوردند و اجرای این امور یکی از وظایف روحانیون آن زمان بود.^۳ نیاکان ما می‌پنداشتند که انواع و اقسام بیماریهای روانی و حتی بعضی از بیماریهای جسمانی به علت «حلول ارواح خبیثه و شیطان» در شخص بیمار عارض گشته و به ویژه منشاء برخی از بیماریها را «خود بشر» می‌دانستند.^۴ در این رابطه می‌توان به بیماریهایی که در نتیجه «چشم بد» حادث می‌شدند اشاره کرد. در چنین حالتی بیمار به یکی از موبدان مراجعه و او به خواندن دعاهایی که مخصوص «اشه وهیشت» یا «اریامه» یا «هائومه» بود می‌پرداخت.^۵

از دیگر دلایل ابتلاء به بیماریها در اعتقادات و باور آنها، ارتکاب برخی از گناهان و انجام جرم نسبت به طبیعت بود. چنانکه هرودوت مینویسد، اگر در میان ایرانیان کسی به بیماری برص (لک و پیس) مبتلا شود، نباید در شهر بماند و در انجمن آید، زیرا ایرانیان گمان میکنند که او گناهی نسبت به خورشید مرتکب

۱- خدابخشی ۱۳۷۶، ۴۳

۲- سامی ۱۳۴۱، ۲۹۰

۳- نجم آبادی ۱۳۴۱، ۱۶۹

۴- خدا بخشی ۱۳۷۶، ۴۴

۵- الگود ۲۵۳۶، ص ۲۳

شده است و حتی وی را از شهر بیرون میرانند.^۱ آنها همچنین جهت مداوای بیماران از جادو و طلسم، افسون (تصویر شماره ۱)، در کنار رعایت نکات بهداشتی استفاده می‌کردند.^۲

در فصل ۶۳ روایات پهلوی به دعایی اشاره شده که افسون تب و دعای بند آمدن خون است: «... باید ریسمانی رسید و سه لا کرد و بنا به مورد گره‌هایی زد بر باز و بست.» در مورد بند آمدن خون نیز باید دعایی را مشتمل بر سه کلمه، بنا به مورد و به دفعات، خواند.^۳ خواندن این اوراد و اذکار برعهده مردان روحانی و پزشکان درمان کننده با کلام مقدس بوده است.^۴

۱- خدابخشی ۱۳۷۶، ۴۶

۲- دوران ۱۳۳۷، ۵۵۳

۳- میر فخرائی ۱۳۶۷، ۸۰؛ تفضلی ۱۳۷۶، ۱۷۸

۴- بر این اساس در ایران باستان پزشکان به سه دسته ذیل تقسیم می‌شدند: ۱- شفادهندگان الهی (پزشکان با کلام مقدس) ۲- کارد پزشکان (کره توبیشه زو) ۳- گیاه پزشک (رو بئشیه زو)، به عبارت دیگر این سه طبقه عبارتند از: موبدان، پزشکان و جراحان، اگر پزشکان متعدد بر بالین بیمار حاضر شوند، گیاه پزشک، کارد پزشک، پزشک با سرودن کلام مقدس و ایزدان مداوا میکنند، این پزشک بهترین شفا دهنده به شمار میرود. (دارمستر ۱۳۸۲، ص ۱۵۱) در این رابطه در اردیبهشت پشت آمده: کسی از طبیبان به واسطه «اشا» معالجه کند؛ کسی به واسطه قانون شفا بخشد، کسی با کارد (جراح) علاج نماید، کسی با گیاه درمان دهد؛ کسی که با کلام مقدس شفا دهد، در میان درمان بخشان درمان بخشترین است. (پورداوود ۱۳۰۸، ۱۴۳)



تصویر ۱: بخشی از کتاب مکتوب با اوراد به زبان پهلوی و فارسی

در وندیداد (باب ۲۲، بند ۲ تا ۶) به نفوذ کلام مقدس و دعا اشارت رفته است: «... زمانیکه اهورامزدا با کلام ایزدی سخن میگوید و می پرسد که تو ای کلام ایزدی بگو بدانم تو میتوانی بیماریها را شفا دهی و درمان بخشی؟ ئیرییه مه پاسخ داد ... من بیماری ها و همه مرگها را تباه سازم، من همه جنی ها و همه پری ها و همه جادوگرهای زشت را تباه سازم.»^۱

بنابر این کاملاً مشخص است که ارجمندترین و بهترین پزشکان آنهایی بودند که با کلام مقدس و خدائی (منتره) به درمان می پرداختند. در واقع، اعتقاد بر آن بود که کلام مقدسی که به زبان رانده میشود، در برخی ترکیبات لفظی، قدرتی مکتوم دارد که خدایان را به همراهی و عطف توجه می کشاند و انسان را قادر می سازد تا بر دردها و آسبها غلبه نماید.^۲

۱- دارمستتر ۱۳۸۲، ۲۸۰-۲۸۳

۲- خدایبخشی ۱۳۷۶، ۸۰

درمانگران روحانی تحصیلات مخصوصی در رشته الهیات و پزشکی داشتند و هر یک پس از اتمام تحصیل، با توجه به ذوق شخصی، یکی از دو رشته الهیات یا پزشکی را انتخاب می نمودند. آنهایی که به پزشکی می پرداختند، به «آتروان» معروف میگشتند و آنهایی که به خدمت دینی اشتغال می یافتند، «مجوس» نامیده می شدند.^۱ در دوره ساسانی، بر خلاف ادوار قبل، پزشکان از طبقه عمال کشوری انتخاب می شدند و رئیس پزشکان این دوره به نام «زر تشر و توم» خوانده می شد که، به احتمال قوی، شخص موبد موبدان بوده است.^۲

اریامن^۳، که در واقع عضو انجمن موبدان بود، در بند ۲۲ وندیداد به عنوان خدای تندرستی معرفی شده است.^۴ دکتر ژاله آموزگار^۵ «اریامن» را جزء دسته ایزدان دانسته و او را نخستین پزشک مینوئی معرفی کرده که چاره و درمان دردها به دست او سپرده شده است و در برابر هزاران دردی که اهریمن می آورد، او درمان عرضه می کند.^۶ در باب ۲۲ وندیداد آمده است که اهورامزدا ۹۹/۹۹۹ ناخوشی که اهریمن بوجود آورد شفا بخشید و در اینجا به نمازی درمان بخش نیز اشاره می کند.^۷ از «اردیبهشت یشت» نیز به خدائی بودن و اثر و قوت این نماز اشاره شده است: «... نماز آریامن که تمام خرد خبیث و همه جادوان و پریها را برمی اندازد، بزرگترین کلام ایزدی است، بهترین کلام ایزدی است، زیباترین

۱- الگود ۲۵۳۶، ۲۸

۲- کریستن سن ۱۳۳۲، ۴۴۲

3- Airyamn

۴- نیبرگ ۱۳۵۹، ۴۴۵

۵- استاد گروههای تاریخ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران

۶- آموزگار ۱۳۷۴، ۳۲

۷- متن نماز مذکور از این قرار است: «بشود که اریامن (ایریمین) ارجمند برای یاری مردان و زنان زرتشتی و برای یاری از منش پاک به سوی ما آید، با پاداش گرانها نیکه درخور ایمان است. من از او پاداش مطلوبه عدالت را که اهورامزدا خواهد بخشید خواستارم (پورداوود، ۱۳۰۸ ص ۱۳۶)»

کلام ایزدی است. در میان کلام خدای درمان بخش است؛ درمان بخشترین کلام خدائی است»^۱.

امشاسپندان یا جاودانان مقدس از ایزدان هستند. اولین امشاسپند در دین زرتشت، «اردیبهشت» است. نماز «اشم و هو» که نماز «اشه وهیشت» (اردیبهشت) نام دارد، مؤثر در رفع آفات و بلاها و دردها و مبارزه با اهریمن می‌باشد و در یشت سوم به نقش «اردیبهشت» در درمان بخشی اشاره شده است.^۲ امشاسپندان «هئروتات» (تندرستی) «امر تات» (بیمرگی) به همراه اهورامزدا که سر کرده ایشان و نیز مظهر تجسم کل آنان است، عامل عهده دار آفرینشی بودند که زائیده تصور ایرانیان روزگار باستان در باره جهان بود. بنابر این، امشاسپندان مذکور مستقیماً با پدیده‌های طبیعی و زندگی بشر و آئینهای دینی در تماس بودند.^۳

اوستا و بهداشت عمومی

در کتب دینی نیاکان ما اشارات بسیاری به درمان و تندرستی و مبارزه با بیماریها شده است. در این منابع ضمن اشاره به نیروی درمان بخش ایزدان و نیروهای سحر و افسون، ضرورت رعایت بهداشت (فردی و عمومی) و کشتن جانوران موزی که ناقل میکروب میباشند، مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. مبارزه با انتشار بیماریها و حفظ پاکی و تندرستی، در طب زرتشتی به عالیتترین حد خود رسید و فی الواقع، این نکات، جزئی از فرایض دینی به حساب می‌آمدند.

۱- پورداوود ۱۳۰۸، ۱۴۱؛ دستخواه ۱۳۷۲، ۲۸۸

۲- میر فخرائی ۱۳۶۷، ۱۸۵

۳- یار شاطر ۱۳۸۰، ۴۵۶

در اوستا آمده که راه خوشبخت زیستن «اشوئی» است. «اشوئی» یا پاکی و تندرستی و پارسایی دارای دو جنبه پاکی تن^۱ و پاکی روان^۲ است.

ایرانیان باستان، آب، آتش، خاک و باد را محترم می شمردند و این عناصر را آلوده نمی کردند. در باور آنها آفتاب و ماه نماینده روشنایی و آتش مظهر پاکی و خاک و آب سرچشمه زندگی به حساب می آمد و آلودن این عناصر ممنوع بوده است.^۳ در دین زرتشت هر چیزی که از تن جدا شود در شمار مردار است و از این رو در تصرف «دیو» در می آید. بر این عقیده، ناخن و مو، بلافاصله بعد از جدا شدن از بدن، در شمار «اهریمن» آمده و باید آنها را از خانه بیرون راند. در باب ۱۷ وندیداد آمده است: «... زرتشت از اهورامزدا پرسید: کدام است مرگ آورترین کردار مردمان که نیروی رنج آور دیوان را تا بدان پایه می افزاید که آئین پرستش و نیاز آور برای آنان برگزار شده باشد؟ اهورا پاسخ داد، چنین مرداری؛ آنست که کسی که موی خویش را شانه زند، یا بتراشد، یا ناخن های خود را بگیرد، و موی و ناخن از تن جدا شده را بدون مراسم ویژه در گودال یا شکافی بریزد.»^۴ همچنین در وندیداد باب ۱۷، بند ۲ و ۳ آمده است: «... اگر در این گیتی مردم موی خود ببرند و ناخن بچینند و آنها را پراکنده و زمین را بیالایند، هر آینه در آن زمین دیوها خیزند و «خرفستران» پدید آیند.»^۵

۱- یعنی مراعات پاکیزگی تن و جامعه و خانه و محیط زیست (آب - خاک - آتش)

۲- یعنی اندیشه و گفتار و کردار آدمیان و رعایت نگهداشتن سلامتی روان که در حفظ و سلامت جامعه مؤثر است (فیروزگری ۱۳۸۲).

۳- تاجبخش ۲۵۳۵، ۱۱۸

۴- دوستخواه ۱۳۷۲، ۸۴۱

۵- پورداوود ۱۳۲۶، ۱۸۹

علاوه بر عناصر ذکر شده، ادرار گاو یا «گومز»^۱ نیز از جمله عناصر طبیعی بود که محترم شمرده می شد و برای مراسم تطهیر مورد استفاده قرار می گرفت.^۲ در دین زرتشت، شیر و ادرار گاو دو شیرهی آسمانی و درمانبخش هستند.^۳ استعمال ادرار گاو علاوه بر نقش تطهیر دهندگی، به عنوان ضد عفونی کننده از داروهای طبی به شمار میرفته است. این دارو را نه تنها در ایران باستان، بلکه در هند نیز برای مداوای بیماری «جذام» استفاده می کردند.^۴ تبرک با ادرار گاو را «گنو میی زه» می نامیدند.^۵ در ایران باستان عقیده بر این بود که هر ظرف یا لباس یا شیء که آلوده شود باید بلافاصله آنرا در مقابل آفتاب کنار گذاشت^۶ و با کمال دقت پاک کرد و خاک و آب مخلوط با ادرار گاو بر آن مالید و یا اینکه برای مدت معینی آنرا زیر خاک گذاشت و یا با «نیرنگ آب»^۷ شست.^۸

۱- «گومز» ادرار گاو نر است. توضیح آنکه مغها پس از آنکه ۹ شب متوالی تزکیه نمودند، مدت ۳ تا ۶ روز، مراسم وندیداد را اجرا مینمایند و گاو نری را که سه روز قبل فقط غذاهای پاک به او خورانده باشند، پیش می آورند و در محوطه ای نگهداری می کنند. دو ظرف یا قدح نیز حاضر مینمایند، اولی برای ادرار گاو و در دومی آب ریخته می شود. «مغ» مقدس در حالیکه انتظار خروج مایع مقدس را میکشد، دائما ادعیه و وردها را بر آن ظرف میخواند. مایع اولی را «نیرنگ گومز» و مایع دومی «نیرنگاب» نامیده می شود. (مهدی بازرگان ۱۳۴۳، ص ۹۹).

۲- نفیسی ۱۳۳۱، ۷۸

۳- در بحث آفرینش، پنجمین آفرینش زندگی جانوری، با گاو یکتا آفریده آغاز میشود که در «ایران ویج» در میانه زمین، بر کران رودخانه «وه دائیتی» هستی یافت، این گاو را سفید و روشن، چون ماه و به بلندی سه (۳) نی سنجیده توصیف میکنند (یارشاطر ۱۳۸۰، ص ۴۶۳). نیبرگ ۱۳۵۹، ۱۹۹

۴- دارمستتر ۱۳۸۲، ۲۹۱

۵- دوستخواه ۱۳۷۲، ۷۳۱

۶- از عناصر پاک کننده و تطهیر دهنده می توان به آفتاب اشاره کرد. این عنصر به عنوان نخستین نیروی پاک کننده به شمار میرفت.

۷- یک آب ورد خوانده بود که با مراسم مخصوصی توسط مغها تهیه می شد.

۸- نفیسی ۱۳۳۱، ۷۸؛ بازرگان ۱۳۴۳، ۹۷

در ایران باستان بر رعایت بهداشت عمومی و پیشگیری از انتشار بیماری در سطح جامعه تاکید فراوان می شد. بدین منظور، حمل جنازه به دخمه یا برج سکوت، در شب ممنوع بود، زیرا که این کار، هنگامی که دیگر اشعه خورشید تأثیر خود را نمی‌بخشد، حاملان نعش و تشییع کنندگان را در معرض خطر آلودگی قرار می‌دهد.^۱ همچنین در مورد قبرها و دخمه‌ها اشاره شده که، شادی و خوشی دیوها در این مکان است. عفونت و بوی بد در این مکان پدید می‌آید و این دخمه‌ها هستند که از انواع بیماریها: جرب، گری، تب حاد و تب سرد پر شده‌اند. در این دخمه‌ها است که بدترین آدمکشان پس از غروب دور هم گرد می‌آیند.^۲

حفظ بهداشت محیط زیست و مبارزه با عناصر بیماری‌زا و جانوران موذی دیگر اقداماتی است که در ایران باستان و در کتب مقدس بر آن تاکید شده است. کشتن خره فستران (جانوران موذی) در نظر ایرانیان باستان، موجب خشنودی اهورامزدا بود.^۳ و در کشتن آنان آتروان یا موبدان و پیشوایان دینی بیش از دیگران مکلف‌اند. هر موبدی باید از برای ادای تکلیف، یک چوب دستی داشته باشد با سر سیخ، یا به چرم آراسته، که «خرفسترغن» نامیده شده و در پهلوی بدان «خرفستر گن» یا «مارگن» یعنی «خرفستر زن» یا «مار زن» گویند.^۴ کشتن خره فستران به مانند کفاره گناهان به شمار میرفته است.^۵ «ونت» یا «وند» یکی از ستارگان کشنده خرفستران است. در میان یشتهای اوستا و در کوتاهترین آنها

۱- الگود ۲۵۳۶، ۴۰؛ جنیدی ۱۳۸۴، ۱۳۴؛ نفیسی ۱۳۷۱، ۹۲

۲- دوستخواه ۱۳۷۲، ۷۴۰؛ دارمستتر ۱۳۸۲، ۱۵۳

۳- خدابخشی ۱۳۷۶، ۱۸۸

۴- پورداوود ۱۳۲۶، ۱۷۸

۵- نفیسی ۱۳۷۱، ۹۴

«وند یشت» - که یک پاره بیش ندارد - در باره این ستاره چنین آمده است: «ستاره مزدا، آفریده پاک، ورد راستی «وند» را میستایم. وند نیرومند و درمان بخش را نام برده ؛ خواستار ستاییدنیم، از برای پایداری کردن ستیزه خرفستران بسیار بد و زشت اهریمنی که باید یکسره از میان برد.»^۱

در آئین زرتشت «سقط جنین»، بدین سبب که اضمحلال حیات را به عنوان از بین بردن و نابودی عالی ترین شکل خلقت اهورامزدا دانسته شده، یکی از کارهای بسیار نا پسند محسوب و مکافات این عمل کمتر از مجازات قتل عمدی نبوده و روحانیون و پزشکان با یکدیگر با مرتکبین مبارزه جدی می نمودند.^۲

تعالیم دینی زرتشتی درباره پاکیزگی با اصول و قوانین پیشگیری چنان آمیخته است که جدا ساختن آنها از یکدیگر مشکل به نظر میرسد. غالب این تعالیم همان بر پایه مبارزه با اهریمن (در این مقوله بیماری و عوامل بیماریزا) و دوستی اهورامزدا (رعایت نکات بهداشتی اجتماعی و فردی) است.

تأثیر اعتقادات و اندیشه ها خرافی بر پزشکی ایران در دوران اسلامی

الف- اعتقادات دینی

پیش از ظهور اسلام، اطلاعات اعراب از فن طبابت بسیار ابتدایی بود. طب عرب عبارت بود از تعدادی عزائم و اوراد، که گاه با تجویز بعضی ادویه همراه بود. زیرا آنها علل امراض را بیشتر در نتیجه زیانهای میدانستند که از ارواح شریر

۱- پور داوود-۱۳۲۶، ۱۹۰؛ دوستخواه ۱۳۷۲، ۵۱۷

۲- نجم آبادی ۱۳۴۱، ۲۲۸

به آدمی میرسد و برای اخراج اجنه و شیاطین از جسم مریض، خواندن اوراد و ادعیه را بهترین اقدام محسوب می داشتند.^۱

مورخان و دانشمندان اسلامی، نخستین طبابت را به پیامبران نسبت داده و «ادریس نبی» را نخستین پزشک شمرده اند.^۲ دانشمندان اسلامی با جمع آوری آنچه در قرآن و احادیث پیامبر اسلام (ص) مرتبط با حفظ سلامتی و پیشگیری از بیماریها آمده، آن را به «طب النبوی» یا «طب نبوی» نامگذاری کرده اند.

در قرآن بیماری بر دو گونه بیماری دلها و بیماری بدنها تقسیم شده و از بیماری های روحی و روانی مکرار به عنوان بیماری قلبها نام برده شده است. در آیه ۱۰ از سوره بقره می خوانیم: «... دلهای آنان مریض است. پس خدا بر مرض آنها بیفزاید و آنها دچار عذاب دردناک میشوند به سبب اینکه دروغ می گویند.»

جالب آنکه درمان (شفاء) این بیماری نیز در آیه ۵۷ از سوره یونس آمده: «... ای مردم نامه ای که همه پند و اندرز و شفای دلهای شما و هدایت و رحمت بر مومنان است از جانب خدا برای سعادت و نجات شما آمد.»

همچنین در آیه ۴۴ از سوره فصلت می فرماید: «... قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و برای کسانی که ایمان نمی آورند و گوشهای ایشان گرانست موجب کوری است.» در اینجا شکی نمی ماند که اعتقاد خالص و حقیقی به خدا «بهترین درمان» برای بیشترین مشکلات روحی قلمداد گردیده است. در آیه ۸۲ از سوره الاسراء نیز به قدرت شفاء دهندگی قرآن به صراحت اشاره و آمده است که قرآن خود شفاست: «.. ما آنچه در قرآن فرستادیم شفای دل و رحمت الهی برای

۱- صفا ۱۳۴۶، ۳۰

۲- قفطی ۱۳۴۷، ۲۵

اهل ایمانست.» در سوره های: آل عمران آیه ۴۹، مائده آیه ۱۱۰ و الشعراء آیه ۸۰ هم صراحتاً به لفظ شفاء اشاره شده است.

تعدادی از آیات قرآن نیز به بیماری جسمانی و نقش دعا در علاج آنها اختصاص یافته است. به عنوان مثال می خوانیم که بیماران در طی ماه رمضان اجازه روزه داری ندارند^۱ و حکم جهاد بر بیماران و اشخاص ناتوان صدق نمی-کند.^۲ در آیات ۸۳ و ۸۴ ازسوره الانبیاء به بیماری حضرت ایوب و درمان وی اشاره شده است: «... ای رسول، یاد کن حال ایوب را وقتی که دعا کرد که ای پروردگار درد و رنج و سخت بر من رسیده و تو از همه مهربانتری و خداوند دعای او را اجابت و درد و رنجش را بر طرف ساخت.» در این رابطه در سوره «ص» آیه ۴۱ تا ۴۴ مجدداً به بیماری و درمان آن حضرت توسط خداوند اشاره شده است.^۳ در آیه ۴۹ از سوره آل عمران نیز به قدرت حضرت عیسی و چگونگی شفای بیماران توسط وی اشاره شده که کور مادرزاد و مبتلای به پیسی را به امر خدا شفا داد و مردگان را به فرمان خداوند زنده گردانید.

چنانچه ملاحظه شد، در دین زرتشت و کلاً ادیان الهی دستوراتی راجع به بهداشت و پیشگیری از بروز بیماریهای واگیر آمده است و رعایت نکات بهداشتی و پاکیزگی بر تجویز دارو مقدم شمرده شده است. بخش قابل ملاحظه ای از دستورات اسلامی نیز به پاکیزگی بدن و لباس به ویژه هنگام شرکت در اجتماعات عمومی و جلوگیری از پیدایش بیماریهای ناشی از کثافات اختصاص

۱- سوره بقره - آیه ۱۸۴

۲- سوره توبه - آیه ۹۱

۳- «و اذکر عبدنا ایوب از نادى ربه انى مسنى الشيطان بنصب و عذاب».

یافته. احکام قرآنی نظیر وضو، غسل، تحریم مسکرات و ترجیح غذای نباتی به حیوانی و... تماما برای حفظ سلامتی نافع شمرده میشد. دستورات و تعلیماتی هم که در این باب از شخص پیامبر اسلام رسیده بود، تماما غیر قابل اعتراض است و غالب قواعد آن در کلمات قصار و الفاظ ساده ای بیان می شد تا هر کسی به آسانی بتواند آنرا به خاطر بسپارد.^۱ در قرآن هر چیزی که بیان شده، از برای جهانیان و هدایت و رحمت آنان است. گنجهای دانش در او نهفته است و ارشادات آسمانی را متضمن است. چون تکالیف سماوی جز برای آنان که عقلشان سالم است تشریح نگردیده و چون عقل سالم در غیر بدن سالم یافت نمیشود، و مقتضای لطف آفریدگار بود که قرآن جانب این ناحیه را نگهدارد و بیان راه سلامت جسم را عهده دار باشد. قرآن به همین منظور بهداشت بدن را نیز ضمانت کرده است.^۲

ب - اندیشه های خرافی

اعراب بدوی هزاران الهه را می پرستیدند که هر یک برای خود جایگاه خاصی داشتند و خواستگاه برخی از آنها ستارگان بود. مانند الهه زیبایی که با خورشید مرتبط می گشت. جهانی بزرگ و جاهلی شامل تعداد بسیاری جن خوب و جن بد بود که به نحوی وظیفه ارتباط میانخدایان و الهه ها را از یک سو و ارتباط میان خدایان و الهه ها و انسانها را از سوی دیگر بر عهده داشتند. پرستندگان برای جلب محبت و حمایت خدایان، برای آنها حرم و معبد می ساختند و قربانی می کردند.^۳ معلومات طبی و بهداشتی در بین این طوایف، از علوم ابتدایی و مقدماتی بوده

۱- گوستاو لوبون ۱۳۱۸، ۶۴۹

۲- خلیلی ۱۳۷۱، ۴۰

۳- مغربی ۱۳۶۲، ۵

است.^۱ آنان حوادث آسمانی و بروز بیماریها را دلیل نارضایتی خدایان می گرفتند و می کوشیدند آن را بوسیله نماز و یا تقسیم صدقات، دفع و رفع کنند. ادامه این اعتقادات، به موازات رشد پزشکی علمی در طی دوران اسلامی به چشم می خورد.^۲ افسون و جادو در تمام ملتها ستوده بوده است و بیشتر روحانیون و اصحاب صوامع آنرا انجام می دادند و علما و حکمای قبل از دوران اسلامی نیز به آن اعتقاد داشتند. چنانچه آمده است که جالینوس چون از علاج بیماری عاجز شد، او را به صومعه مرد زاهدی برد تا دعایی بر آن بخواند و سپس گفت: «... طب ما در جنب طب زاهدان صومعه، همچون طب راهداران باشد در جنب طب ما».^۳ در منابع اسلامی و احادیث به دعاها و افسونهای بسیاری که در درمان دردها موثر بوده اشاره شده است. یکی از این افسونها، «افسون چشم بد» بود که در آن دعایی را روی کاغذ یا پارچه‌ای (تصاویر شماره ۲ و ۳) می نوشتند و با باز و بسته کردن آن در مقابل بیمار علاج حاصل می شد. از دیگر افسونها «افسون سر درد» بود.^۴

۱- علم ۱۳۲۵، ۱۰۱

۲- (اشپولر برتولد ۱۳۷۹، ۲۹۳)

۳- دانش پژوه ۱۳۴۵، ۲۰۱

۴- در مورد این افسون آمده است که روزی مأمون دچار سردرد شدید شد و پزشکان از معالجه او عاجز ماندند. به وی خبر دادند که قیصر، پادشاه روم کلاهی دارد که سردرد را درمان میکند. مأمون قاصدی جهت درخواست کلاه به نزد قیصر روم فرستاد، قیصر کلاه را به قاصد داد، ولی مأمون از گذاشتن کلاه بر سر خود ترسید و آنرا بر سر یکی از غلامانش که سردرد داشت نهاد. درد آن غلام تسکین یافت و بعد مأمون کلاه را بر سر نهاد و شفا یافت. سپس علما را حاضر کرد و از کلاه پرسید. آنها گفتند، در میان کلاه باید تعویذی باشد. پس کلاه را شکافتند و چهار رقععه از چهار جانب که بر هر رقععه نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم کم من نعمه من الله شاکر و غیر شاکرفی عرق ساکن و فی غیر ساکنم عسق و ما سکن فی الیل و النهار و هو السميع العليم»، آن رقععه ها را در کلاه گذاشتند و فرستاده قیصر درخواست کلاه کرد و گفت: این کلاه را از اسیری مسلمان گرفتند که با آن خود و همراهان خود را ازاد کرد. (دانش پژوه ۱۳۴۵، ص ۲۰۶).

در جهت پیشگیری از بیماری طاعون؛ اعتقاد داشتند که اگر کسی از دندان فیل به گردن کودکش بیاویزد؛ او را از طاعون مصون داشته است.^۱



تصویر ۲: نمونه ای از جلیقه طلسم مورد استفاده در سرزمین های اسلامی



تصویر ۳: نمونه ای از لباس طلسم مورد استفاده توسط خلفای عثمانی

۱- اولمان مانفرد ۱۳۸۳، ۴۶

اعتقاد به خاصیت شفابخشی حروف هم رایج بود. به اینصورت که برای درمان و رفع بیماریها از حروف خاصی استفاده می بردند. عقیده بر این بود که حروف با اسراری که در کائنات جریان دارد مرتبط اند و از این رو آنها را بر حسب اقسام طبایع مانند عناصر آب، خاک، باد و آتش به چهار گونه تقسیم کرده اند و هر طبیعتی به گروهی از حروف اختصاص یافته است.^۱ برای مثال، حروف مربوط به عنصر آب را برای دفع «بیماریهای گرم» از قبیل تبها، و حروف مربوط به عنصر آتش را برای دفع «بیماریهای سرد» تعیین کرده اند.^۲ اگر چه در اسلام استفاده از شعبده بازی و طلسم زیان بخش و حرام شمرده شده، لیکن باور و استفاده از خاصیت درمانبخشی حروف منع نگشته است و بدین منظور ظروفی فلزی، که حروفی رمز آمیز بر آنها نقش گردیده اند، مورد استفاده قرار می-گرفتند. (تصویر شماره ۴)



۱- ظهور نهضت حروفیه به رهبری عماد الدین نسیمی عارف و شاعر قرن هفتم هجری را در همین راستا می توان توجیه نمود. سازمان بین المللی یونسکو به خاطر کوششهای وی در اشعار انسانی و صلح جهانی در سال ۱۹۷۳ این سال را سال نسیمی اعلام کرد.

۲- ابن خلدون ۱۳۵۳ فصل ۲۳



تصویر ۴: کاسه های طلسم
تزیین شده با اوراد و ادعیه

بعلاوه، در تمدن اسلامی، کتب و رسالاتی به بحث در منافع جانوران و خواص نباتات و اشیاء و بیان صناعات معمول زمان و متون عملی و علوم تجربی اختصاص یافته که در حکم دائرة المعارف آن زمان بوده‌اند. اگر چه در این منابع، عقاید عجیب و غریب و خرافه‌نما به کثرت دیده می‌شود، لیکن این آثار از لحاظ تاریخ اندیشه بشری و تحول تفکرات علم پزشکی از مآخذ اصیل و دست اول به شمار آمده و حاوی اطلاعات مفید اند.

نقش معالجات جادویی نیز بدان حد بود که گاه آنها را در زمره درمانهای طبیعی قلمداد نموده و معتقد بودند که چون اسرار غائی قوای طبیعی و خواص داروها از ما پنهان است، این معالجات سحر آمیز، هر قدر هم که احتمالاً توضیح ناپذیر باشند، نمی‌توانند بکلی مورد بی‌اعتنایی قرار گیرند.^۱ بنا بر این، روی نمودن به جادو صرفاً زاده خرافه پرستی و میل به معجزه نبود، بلکه این کار تقریباً بر حسب ضرورت انجام می‌گرفت. بسیاری از پزشکان عرب از جمله علی بن

۱- اولمان مانفرد ۱۳۸۰، ۱۸۰

سهل طبری تحت تاثیر این تفکر قرار گرفته بودند. طبری از بسیاری از اعمال جادوئی که در وطن او انجام میگرفت نقل می‌کند: «رئیس بیمارستانی در جندی شاپور برای من از خانواده ای ساکن اهواز تعریف کرد که دارای سنگ شگفت انگیزی هستند که اگر به تن زن بارداری بیاویزند جنین او را حفظ خواهد کرد، چنانکه اگر این زن به زن حامله دیگری بر بخورد که سنگی ندارد دومی سقط جنین می‌کند.»^۱

جالب آن است که بدانیم فصلی از کتاب «جامع العلوم» امام فخر رازی به خواص درمانبخش سنگها اختصاص یافته است (تصویر شماره ۵). مثلا در خواص سنگ مغناطیس آمده است: «... اگر با تسبیح مغناطیسی تا ۴۰ روز ذکر کنند، هر مرادی که دارند بیابند و برای درد مفاصل و جذام با آب جوشیده بخورند و به عضو بمالند.»^۲ همچنین در مورد یاقوت به خاصیت بند آورندگی خون اشاره شده و همراه داشتن یاقوت زرد سبب دفع طاعون عنوان گردیده. زمرد و فیروزه پادزهر و باعث بند آمدن خون معرفی شده اند و یشم، درد نقرس را کاهش می‌دهد.^۳ در خواص سنگها، محمد بن زکریا رازی میگوید که او در شهری سنگی دیده که رنگ آن چون رنگ گل و بوی آن چون بوی گل و اگر بر خداوند تب بستندی، تب را می برد. او در کتاب الحاوی معالجات اسرار آمیز نیز تجویز می‌کند.^۴

۱- اولمان مانفرد ۱۳۸۰، ۱۸۲

۲- رازی ۱۳۲۳، ۱۳۱

۳- رازی ۱۳۲۳، ۱۳۱

۴- محقق ۱۳۶۹، ۱۶۴



تصویر ۵: نمونه‌هایی از سنگ‌های جادویی و طلسم

همچنین دعاها و حرزهایی بودند که به تصور دارند گانشان، آنها را از آفات و بیماریها و سختی‌ها در امان نگه می‌داشت. از آنجائیکه که کسی نمی‌تواند خطوط این آثار را بخواند، در باور عامه این تصور را تقویت کرده است که آنها سرهای مکنون و ماورالطبیعی هستند.^۱

اعتقاد به تاثیر زمان و موقعیت قرار گرفتن کواکب نیز رایج بود که این باور تا زمان حاضر هم ملاحظه میشود. بر همین اساس، پیوسته موقعیت ستارگان و زمان مناسب جهت جمع آوری گیاهان دارویی مد نظر بوده و دقت کافی به عمل

۱- دانش پژوه ۱۳۴۵، ۲۰۳-۲۰۴

می آمد که این عقاید ریشه در دوران تاریخی یونان دارد. به عنوان مثال، اعتقاد بر آن بود که ریشه «دستنبو» یا «مهر گیاه»^۱ را باید در سپیده دم روز سه شنبه و به صورت محرمانه توسط افراد خاصی از خاک خارج نمود. به عبارت دیگر ستارگان و اجرام در این زمان باید در شرایط خاص خود باشند. مثلاً مریخ در یکی از بروج خود یعنی در برج حمل یا اعلاء یا جدی باشد.^۲

نتیجه

پزشکی عامه بر اصولی بنیاد نهاده شده که با اندیشه‌های فلسفی، اعتقادات و ساختار فرهنگی- اجتماعی مردم هماهنگ گردد. در این بعد از پزشکی، ابتدائی‌ترین و ساده‌ترین روش‌های تشخیص و درمان بیماری‌ها در بستر اعتقادات و فرهنگ جادویی و تجربی شکل گرفته و به اجرا در می‌آیند.

در این قسم، نگرش پزشکی نسبت به بیماری‌ها متفاوت است و برای هر بیماری و دردی علت یا علت‌های خاص جستجو و بیان می‌شود که بر مجموعه باورهای خرافی و تفکرات مذهبی بنیان نهاده شده و با برخی نشانه‌ها و رموز آمیخته است. باورهایی که گاهی از گذشته‌های دور تا به امروز پا بر جا مانده‌اند. در این رهگذر، همچنانکه اعتقاد به دخالت نیروهای پنهان در ظهور بیماری‌ها استمرار یافته است، بر تأثیر درمانبخش معالجات جادویی و خاصیت شفابخشی ادعیه، اوراد و حروف و نیز خواص درمانبخش جانوران، خواص نباتات و همراه با تلاش‌های تجربی در علاج بیماری‌ها تأکید گردیده است.

۱- این گیاه دارای ریشه صمغی شکل است که به تمام اعضای انسانی نه تنها در برابر کلیه امراض دماغی منجمله جنون؛ فراموشی و مالیخولیا مصونیت می‌دهد؛ بلکه همچنین محافظ انسان در قبال سگته و داء الفیل و ... است.

۲- اولمان مانفرد ۱۳۸۰، ۱۸۴

The Influence of Religious Believes and Common Senses on Ancient Iranian Medicine and Later Islamic Medicine

H.Karimiyan
Z.Afshar

Abstract

Religious ideas and believes have an important influence on human life. The researches related to history of science have confirmed this steady impact on medicine. Since in ancient of Iran the health was a divine gift and reversely every suffering was due to devil, any activity in preserving personal healthy was one of the most importance duties of human kind. These believe have continued in Islamic medicine which supposes mankind as the best creature and his body as the most valuable body. In this article we point out to religious ideas and believe in Iranian's ancient medicine and its impact on later Islamic medicine.

Key words: Medicine, Public Believes, Ancient Iran, Islamic Medicine, Believes.

منابع

- قرآن کریم
- آموزگار، ژاله، «تاریخ اساطیری ایران»، سمت، ۱۳۷۴.
- ابن هندو، ابو الفرج علی بن الحسین، «مفتاح الطب و منهاج الطلاب»، تهران، ۱۳۶۸.
- اشپولر، برتولد، «تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی» جلد اول، ترجمه جواد افلاطونی، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۹.
- ابن اخوه (محمد بن احمد قرشی)، «معالم القریه فی احکام الحسبه» (آیین شهرداری)، ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.
- اصفهانی، حمزه بن حسن، «تاریخ پیامبران و شاهان سنی ملوک الارض و الانبیاء»، ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- الحرانی، ابی محمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه، «تحف العقول»، آیت اله محمد باقر کمره ای، ناشر کتابچی، ۱۳۷۹.
- اولمان، مانفرد، «طب اسلامی در قرن ۹ میلادی»، ترجمه سید علی طبری پور، مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی، ۱۳۸۰.
- اولمان مانفرد، «طب اسلامی»، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، اولمان مانفرد ۱۳۸۳.
- الگود، سیریل، «تاریخ پزشکی ایران»، ترجمه باقر فرقانی، امیر کبیر، ۲۵۳۶.
- بازرگان، مهدی، «مطهرات در اسلام»، چاپ آرمان، ۱۳۴۳.
- براون، ادوارد، «تاریخ طب اسلامی»، مسعود رجب نیا، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ورداوود، «یشتها، ادبیات مزدیسنا» جلد اول، انجمن زرتشتیان ایران، ۱۳۰۸.
- پور داوود، «فرهنگ ایران باستان»، تهران چاپخانه پاکتچی، ۱۳۲۶.
- تاجبخش، احمد، «تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام»، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۵.
- تفضلی، احمد، «تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام»، انتشارات سخن، ۱۳۷۶.
- جنیدی، فریدون، «حقوق جهان در ایران باستان»، نشر بلخ، بنیاد نیشابور، ۱۳۸۴.

- جمالی یزدی، ابوبکر مطهر، «فرخنامه»، بکوشش ایرج افشار، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۶.
- جلالی نائینی، محمد رضا، «گزیده سرودهای ریگ ودا، قدیمی ترین اثر موجود مردم آریائی»، نشر نقره، ۱۳۶۷.
- خدابخشی، موبد سهراب، «پزشکی در ایران باستان»، انتشارات فرهنگی فروهر، ۱۳۷۶.
- ابن خلدون، عبد الرحمن، «مقدمه ابن خلدون» جلد دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه، ۱۳۵۳.
- خلیلی، محمد، «طب الصادق»، نصر الدین امیر صادق تهرانی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی ۱۳۷۱.
- دنیسری، شمس الدین محمد بن امین الدین ایوب، «نوادر التبادر لتحفه البهادر»، محمد تقی دانش پژوه - ایرج افشار، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- دوستخواه جلیل، «اوستا» دو جلد، انتشارات مروارید، ۱۳۷۲.
- دورانت، ویلیام، «تاریخ تمدن مشرق زمین» جلد اول، ترجمه احمد آرام، انتشارات اقبال، ۱۳۳۷.
- دارمستتر، «مجموعه قوانین زرتشت یا وندیداد اوستا»، ترجمه موسی جوان، دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
- رازی، امام فخر الدین رازی محمد بن عمر، «جامع العلوم»، چاپ بمبئی، ۱۳۲۳.
- مهدی محقق «فیلسوف ری»، تهران، ۱۳۶۹.
- زرین کوب، عبد الحسین، «کارنامه اسلام»، امیر کبیر، ۱۳۸۰.
- سامی، علی، «تمدن هخامنشی»، جلد اول، شیراز، ۱۳۴۱.
- صفا، ذبیح اله، «تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن ۵» جلد اول، امیرکبیر، ۱۳۴۶.
- علم، مصطفی، «میراث اسلام یا آنچه مغرب زمین به ملل اسلامی مدیون است»، ۱۳۲۵.
- قفطی، «تاریخ الحکما»، بهمن دارائی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- فرشاد، مهدی، «تاریخ علم در ایران»، تهران، ۱۳۶۶.
- فیروزگری، موبد مهربان موبد خدا مراد موبد دینیار، «خرده اوستا»، انتشارات فروهر، ۱۳۸۲.

- گوستاو لویون، «تمدن اسلام و عرب»، سید محمد تقی فخر زاعی گیلانی، تهران، چاپخانه علمی، ۱۳۱۸.
- کریستن سن، آرتور، «ایران در زمان ساسانیان، تاریخ ایران ساسانی تا حمله عرب و وضع دولت و ملت در زمان ساسانیان»، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، نشر تهران - ابن سینا، ۱۳۳۲.
- مرادی غیاث آبادی، رضا، «اوستای کهن»، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۲.
- مشکور، محمد جواد، «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»، انتشارات شرق، ۱۳۶۲.
- مجلسی، ملا محمد باقر، «حلیه المتقین»، انتشارات علمی؛ ۱۳۷۲.
- مغربی، عبد الغنی، «دنیای اسلام از پیدایش تا تجدید حیات»، ترجمه شیوا رضوی، انتشارات رازی، ۱۳۶۲.
- متز، آدام، «تمدن اسلامی در قرن ۴» جلد اول، ترجمه علیرضا قراگزلو، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- محقق، مهدی، «مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران»، سروش، ۱۳۷۴.
- میر فخرائی، مهشید، «روایات پهلوی - متنی به زبان فارسی میانه پهلوی ساسانی»، مؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی تهران، ۱۳۶۷.
- نیر نوری، حمید، «سهم ایران در تمدن جهان»، شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۵.
- نویری، شهاب الدین احمد، «نهایه الا دب فی فنون الا دب»، جلد سوم، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، امیر کبیر، ۱۳۶۵.
- نصیری، صدر الدین، «بهداشت اجتماعی در اسلام»، ۱۳۲۷.
- نجم آبادی، محمود، «تاریخ پزشکی ایران» جلد اول، چاپ هنر بخش، ۱۳۴۱.
- نفیسی، سعید، «تاریخ و تمدن ساسانی»، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱.
- نفیسی، ابو تراب، «تاریخ اخلاق پزشکی»، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۱.
- نیبرگ، هنری ساموئل، «دینهای ایران باستان»، ترجمه سیف الدین نجم آبادی، نشر مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها، ۱۳۵۹.

- دانش پژوه، محمد تقی، «یواقیت العلوم و دراری النجوم»، به تصحیح محمد تقی دانش پژوه، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
- واقدی، محمد بن سعد کاتب، «طبقات»، جلد اول و دوم، محمود مهدوی دامغانی، نشر نو، ۱۳۶۹.
- یارشاطر، احسان، «تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی» جلد سوم قسمت اول، ترجمه حسن انوشه، امیر کبیر، ۱۳۸۰.